

تحلیل اکتشافی نیازهای اقتصادی جوامع روستایی بر اساس نظر مطلعان

کلیدی (مطالعه موردی: استان یزد)

حجت رضایی^۱، دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
سید حسن مطیعی لنگرودی، استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
حسنعلی فرجی سبکبار، دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
علیرضا دربان آستانه، استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

یکی از مهمترین علت عدم کارآمدی برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه همچون ایران عدم توجه به نیازها و توان‌های محلی علی‌الخصوص در زمینه اقتصاد روستایی و دیکته نمودن یک برنامه برای تمامی روستاهای کشور می‌باشد. با اهمیت این موضوع، هدف کلی پژوهش حاضر تحلیل اکتشافی نیازهای اقتصادی جوامع روستایی بر اساس نظر مطلعان کلیدی در استان یزد می‌باشد. رویکرد تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری اطلاعات اکتشافی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر ابزار مبتنی بر پرسشنامه و مصاحبه نیمه ساختاریافته است. جامعه آماری تحقیق را کنشگران محلی استان یزد (مدیران، نخبگان و خانوار روستایی) تشکیل می‌دهند. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش کیفی و کمی صورت گرفته است که در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا در نرم‌افزار مکس کیودا و در بخش کمی از آزمون T تک نمونه‌ای، فریدمن و دلبیو کندال استفاده گردیده است. بر اساس نتایج، در بخش کیفی ۳۴ نیاز اقتصادی در قالب ۹ شاخص شناسایی گردید. درصد تکرار این شاخص‌ها نشان می‌دهد شاخص اشتغال با ۱۷،۸۹ درصد دارای متناوب‌ترین نیازها در سطح استان یزد بوده است. نتایج بخش کمی پژوهش نیز نشان می‌دهد شاخص اشتغال با آماره ۸،۳۳ و شاخص درآمد با آماره ۷،۶۶ در برگیرنده مهمترین نیازهای اقتصاد روستایی در استان و در برنامه‌ریزی توسعه دارای اولویت می‌باشند.

کلمات کلیدی: توسعه، جوامع روستایی، نیازهای اقتصادی، مطلعان کلیدی، یزد.

مقدمه

امروزه سهم زیادی از چالش‌های توسعه مربوط به عرصه‌های روستایی است که با توجه به شاخص‌های کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در شرایط ناپایدار به سر می‌برند و پیامدهایی نظیر نابرابری منطقه‌ای و شهری- روستایی، تخریب محیط‌زیست و نابرابری در فرصت‌های اقتصادی- اجتماعی را به دنبال داشته است (قنبری و برقی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). لذا ایجاد برابری و تعادل در عرصه ملی و استقرار نظام فضایی مناسب در سطح سرزمین، نیازمند ایجاد پایداری در عرصه‌های روستایی است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). در کنار این موضوع دستیابی به پایداری؛ مستلزم توجه به اهداف، مؤلفه‌ها و مفروضات توسعه پایدار می‌باشد که برخی از آن‌ها عبارت است از: عدالت اجتماعی، حفاظت محیط‌زیست (زاهدی، ۱۳۹۱: ۶؛ مرصومی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۷۸)، مشارکت (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۳؛ زاهدی، ۱۳۹۱: ۲۴)، تأمین نیازهای اساسی (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۹؛ مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۴۱)، آموزش (نوابخش و ارجمند، ۱۳۸۸: ۸۰؛ مرصومی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۶)، حکمروایی مطلوب (نوابخش و ارجمند، ۱۳۸۸: ۱۲۴) و توجه به سطح محلی (زاهدی، ۱۳۹۱: ۲۵). آشکار است عوامل و فرایندهایی که موجب عدم دستیابی به اهداف توسعه پایدار گردد و یا روند دستیابی به آن اهداف را کند نماید و نیز در راستای مفروضات اصلی توسعه پایدار روستایی نباشد، نمی‌تواند موجب حرکت از وضعیت ناپایدار به وضعیت پایدار گردد. در این راستا یکی از دلایل عمده ضعف ساختاری روستاها در دستیابی به توسعه پایدار روستاها علی‌الخصوص روستاهای کشور ایران مشکلات اقتصادی آن‌ها است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۹۳؛ علوی زاده و کرمانی، ۱۳۸۹: ۳۱۱؛ یگانه ولائی، ۱۳۹۳: ۵۵) از علت به وجود آمدن این ضعف اقتصادی در نواحی روستایی نابرابری در تولیدات و فرصت‌های کاری و منابع مالی اندک (لیو^۱، ۲۰۰۸: ۴)، نابرابری فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و کشاورزی (پیتر^۲، ۲۰۰۴: ۷)، انجام سرمایه‌گذاری‌های

¹ Liu

² Peter

اندک در بخش کشاورزی، نداشتن تنوع در فعالیت‌ها (آلین^۱، ۲۰۰۶: ۳۲؛ ریزو^۲، ۲۰۰۵: ۵۲؛ دمورگر^۳ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۳) و عدم برنامه‌ریزی بر اساس نیازها و توان‌های محلی را می‌توان نام برد (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹؛ رضوانی، ۱۳۸۱: ۲۲۲؛ معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، ۱۳۹۳: ۴) که تبلور این ضعف و ناپایداری را می‌توان در عدم تنوع مشاغل، پایین بودن سطح اشتغال، پایین بودن میزان تولید و بهره‌وری در بخش کشاورزی، پایین بودن دستمزدها، ناپایداری فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه فقر و عقب‌ماندگی و ناپایداری روستاها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دانست (چریستون^۴، ۲۰۰۵: ۲۴۲-۲۴۴). از این رو می‌توان گفت اقتصاد روستایی و رفع چالش‌های آن از مهمترین ابعاد توسعه روستایی و از مفروضات اصلی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌گردد که بر بعدهای دیگر توسعه پایدار از جمله بعد اجتماعی همچون دسترسی به بهداشت، مسکن و غیره و بعد اکولوژیکی همچون حفظ محیط‌زیست، آب و خاک نیز تأثیرگذار است. چرا که در قالب الگوی توسعه پایدار روستایی، پایداری معیشت و امنیت اقتصادی در نواحی روستایی به منظور رسیدن به توسعه پایدار اهمیت بسیار اساسی و ضروری دارد (علوی زاده و کرمانی، ۱۳۸۹: ۳۱۱).

با این وجود در حال حاضر وضعیت اقتصاد روستاها به خصوص در کشورهای در حال توسعه روند نزولی به خود گرفته است، به طوری که جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرها، گسترش فقر و بیکاری، عدم امنیت غذایی، قرار گرفتن عمده جمعیت روستایی در حاشیه و مواردی از این دست نشان می‌دهد که در عمل، اهداف حیاتی توسعه مبنی بر افزایش پایدار درآمد، گسترش اشتغال‌های تولیدی و برقراری متعادل‌تر منافع ناشی از رشد در مناطق روستایی با شکست مواجه شده است. از سوی دیگر افزایش تولیدات کشاورزی با استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی و تأکید بر رشد اقتصادی باعث برهم خوردن تعادل زیست‌بوم‌های طبیعی و زراعی شده

¹ Aileen

² Rizov

³ Dmurger

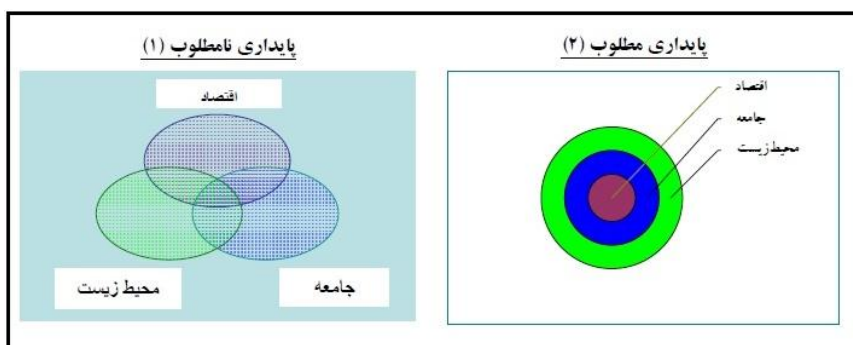
⁴ Christoun

و با کاهش پایداری طبیعت و نظام‌های زراعی، به تزلزل تعادل بوم‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی انجامیده و ناپایداری آن‌ها را رقم زده است (فراهانی، ۱۳۸۵: ۳). لذا با توجه به ضعف زیرساخت‌های اصول اقتصاد پایدار و با توجه به گفته بانک جهانی که توسعه روستایی راهبردی است برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم فقیر روستایی و در واقع عاملی است برای کاهش فقر (بانک جهانی^۱، ۱۹۹۵: ۳ به نقل از جمعه پور، ۱۳۸۴: ۵۷) و همچنین این نکته که توسعه اقتصادی و توسعه پایدار در ارتباط با هم بوده و با هم رابطه تنگاتنگی دارند (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۸: ۱۰)، لازم و ضروری است در کشور های در حال توسعه در زمینه پایداری اقتصاد روستایی مطالعات جامعی صورت گیرد. این در حالی است که اکثر مطالعات صورت گرفته در زمینه اقتصاد روستایی؛ شاخه‌های اقتصاد روستایی شامل فعالیت‌های بخش کشاورزی (عمانی و چیذری، ۱۳۸۵؛ برید و همکاران^۲، ۲۰۰۹)، صنعت (افتخاری و طاهرخانی، ۱۳۹۱؛ محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۳؛ مؤدب، ۱۳۹۴) و گردشگری روستایی (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱؛ بدری و همکاران، ۱۳۸۸؛ مرادی مسیحی و قاسمی، ۱۳۹۳؛ فرهادیان و همکاران، ۱۳۹۵) را مورد مطالعه قرار داده و با بحث پیرامون آن‌ها سعی بر نشان دادن جایگاه حائز اهمیت هر یک از این شاخه‌ها در توسعه پایدار روستاها و یا علل ضعف این شاخه‌ها در ارتقای اقتصادی مناطق روستایی داشته و کمتر مطالعه‌ای به بحث پیرامون نیازسنجی اقتصاد روستایی و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی پرداخته است. این در حالی است که در اصل پایداری اقتصادی تأکید بر شناسایی نیازهای اقتصادی جوامع محلی در برنامه‌ریزی‌ها و تدوین برنامه‌های توسعه تأکید گردیده است و در این ارتباط اسپننگبرگ، پایداری اقتصادی را ایجاد و حفظ درآمدی دائمی و با ثبات برای افراد جامعه بدون کاهش و زوال سرمایه‌ها و ذخایر می‌داند. وی معتقد است که اقتصاد زمانی پایدار است که منجر به پایداری سیستم‌های

¹ World bank

² Byrd

طبیعی، اجتماعی و انسانی و متکی بر نیازها و توان‌های محلی باشد (اسپنگنبرگ^۱، ۲۰۰۵: ۵۹). پایداری اقتصادی در مناطق روستایی به معنی تقویت مبانی اقتصاد و دستیابی به امنیت اقتصادی از نظر دسترسی به معیشت پایدار، در امور مستمر و با ثبات، اشتغال سودمند و منابع مالی قابل اتکا و در نهایت، فناوری مقتضی و همساز با محیط و بهره‌برداری از منابع انسانی است (کمیته برنامه‌ریزی صنایع تبدیلی و تکمیلی توسعه روستایی، ۱۳۸۲: ۱۰). بنابراین با توجه به اهمیت پایداری اقتصاد و همچنین ریشه داشتن ناپایداری‌ها علی‌الخصوص در زمینه اقتصادی در روستاها، برنامه‌ریزی جهت تقویت نظام اقتصاد روستاها جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی لازم و ضروری می‌باشد. چرا که اقتصاد سالم روستایی قادر است خود را از طریق گسترش فعالیت‌های فرعی/جنبی مبتنی بر منابع و تولیدات موجود احیا کند. به موازات پایدار شدن اقتصاد، وجوه سرمایه‌گذاری همراه با نظارت محلی تکنولوژی افزایش می‌یابد و توسعه را در این بعد (بدری و افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۷) و سایر ابعاد توسعه پایدار با خود به همراه می‌آورد است (ریزو، ۲۰۰۵: ۶۲).



شکل ۱- جایگاه اقتصاد مابین ابعاد پایداری (ایافت، ۱۳۸۷: ۶)

¹ Spangenberg

با توجه به موارد عیان گردیده و این امر مهم که در اصل توسعه پایدار توجه به نیازهای محلی و برنامه‌ریزی بر اساس نیازها و توان‌های محلی در راستای دستیابی به پایداری یکی از اصلی‌ترین مفروضات محسوب می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت شناخت نیازهای اقتصادی مناطق روستایی در راستای تحقق پایداری اقتصادی دارای جایگاه حائز اهمیتی است. چرا که تجربه ثابت کرده است برنامه‌ریزی بر اساس توانمندی‌ها و نیازهای محلی می‌تواند کارآمدی لازم را داشته باشد و عدم موفقیت ۷ دهه برنامه‌ریزی در کشور ایران به طور اعم و در زمینه روستایی به طور اخص که بدون توجه به نیازها و توانمندی‌های محلی صورت گرفته است، گواهی بر این ادعا است (رضایی، ۱۳۹۷: ۲؛ افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹: ۱۱؛ معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، ۱۳۹۳: ۳). پژوهش حاضر با آگاهی از موضوع فوق به بررسی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد و اولویت‌بندی آن‌ها به منظور برنامه‌ریزی کارآمد اقتصادی در راستای پایداری روستاها پرداخته است. چرا که آمارها نشان می‌دهد استان یزد یکی از استان‌های مطرح در زمینه ناپایداری جمعیت روستایی در ایران محسوب می‌گردد. نسبت روستانشینی در این استان از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱۴/۶۴ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نشان از شدت تخلیه روستاهای استان دارد. ضمن اینکه رشد سالیانه جمعیت روستایی استان یزد نیز ۱/۶۶- درصد است (یزدندا، ۱۳۹۶). مشاهدات در استان نشان می‌دهد هر چند برنامه‌های توسعه از نظر اجتماعی موجب بهبود برخی از خدمات اجتماعی همچون سطح بهداشت و آموزشی گردیده، اما از نظر اقتصادی نتوانسته است به اهداف خود دست یافته و موجب پایداری اقتصادی در روستاها گردد. لذا مشاهده می‌گردد علی‌رغم بهبود نسبی وضعیت اجتماعی مناطق روستایی در استان یزد به خاطر نبودن اشتغال و پایین بودن سطح درآمدها از یک سو صنعتی بودن شهرها از سوی دیگر همچنان مهاجرت‌های روستا- شهری در استان از شدت چشمگیری برخوردار بوده است. به عبارتی طی سالیان گذشته به دلیل عدم برنامه‌ریزی بر اساس نیازهای محلی و فقدان

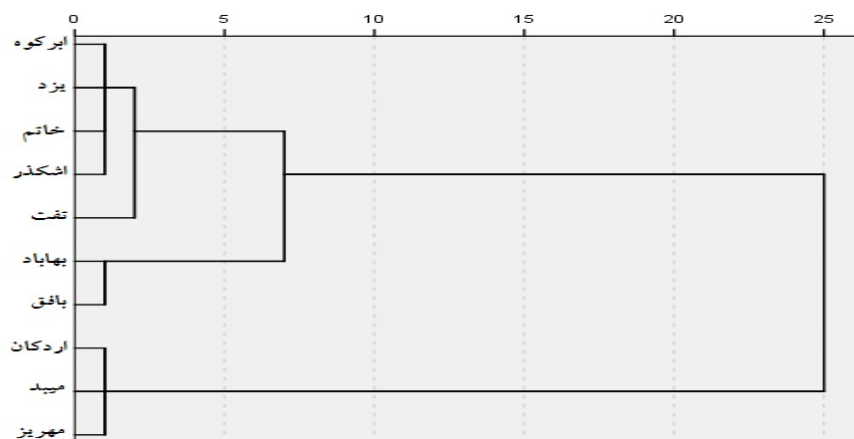
حمایت‌های لازم از آنان متناسب با شرایط بومی منطقه، این استان شاهد ادامه روند مهاجرت‌های روستایی به شهرها بوده است. حاصل این روند در حال حاضر به صورت روستاهای خالی از سکنه، مهاجرت نیروی جوان و تولیدگر از روستاها و در نتیجه‌ی آن کاهش میزان تولیدات بخش کشاورزی، زراعت و دامداری، سالخوردگی و زنانه شدن جمعیت روستایی و در عین حال، فشارهای اجتماعی و جمعیتی از قبیل گسترش حاشیه‌نشینی شهری، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و مشکلات فضایی ناشی از تراکم بیش از حد جمعیت در شهرها نمود یافته است. بنابراین در این پژوهش سعی گردیده است با استفاده از مطلعان کلیدی در زمینه اقتصاد روستایی (مدیران روستایی، نخبگان روستایی و خانوارهای روستایی) نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد شناسایی و اولویت‌بندی گردد.

داده‌ها و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر روش تحقیق آمیخته (کمی-کیفی)، از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر ابزار مبتنی بر مشاهده، مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری آمیخته، یعنی ترکیب هر دو شیوه نمونه‌گیری کمی و کیفی استفاده شده است که هدف نمونه‌گیری کمی، داشتن نمونه نمایا و معرف از جامعه آماری و هدف نمونه‌گیری کیفی، هدفمندی بوده است. بدین منظور برای تعیین نمونه‌های بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی به منظور شناسایی نیازهای اقتصادی استفاده گردیده و نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات بر حسب اشباع در داده‌ها (یکسان گردیدن اطلاعات ارائه شده از سوی مصاحبه شوندگان) بوده است. در این مرحله پس از مصاحبه با ۴۰ نفر از مدیران روستایی به عنوان نمایندگان جوامع روستایی داده‌ها یکسان و اشباع در داده‌ها حاصل گردیده است. نمونه‌های بخش کمی پژوهش نیز از خانوارهای ساکن در روستاهای استان یزد (۴۰۵ خانوار از ۹۵۶۵ خانوار به صورت تصادفی ساده)، مدیران روستایی

(۱۱۶ نفر به صورت تمام شماری) و نخبگان روستایی (۱۱۵ نفر به صورت گلوله برفی) انتخاب گردیده است. لازم به ذکر است انتخاب جامعه آماری از ۴ شهرستان (ابركوه، ميبدا، بافق و خاتم) به دليل گستردگي منطقه مورد مطالعه صورت گرفته است. انتخاب اين شهرستان‌ها از شهرستان‌های ۱۰ گانه استان يزد بر اساس سطح‌بندی درجات توسعه‌یافتگی بوده است. بدین منظور شهرستان‌های ۱۰ گانه استان يزد بر اساس ۴۰ شاخص توسعه در سه سطح توسعه‌یافته، تا حدی توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بر اساس تکنیک ارسته و تحلیل خوشه‌ای دسته‌بندی گردیده^۱ و به تناسب از هر سطح یک یا دو شهرستان انتخاب گردیده است. بر اساس نتایج این سطح‌بندی از سطح توسعه‌یافته شهرستان ميبدا، از سطح تا حدودی توسعه‌یافته دو شهرستان ابرکوه و خاتم و از سطح توسعه‌نیافته شهرستان بافق با روش احتمالی ساده انتخاب گردیده‌اند (شکل ۲). در این پژوهش تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش کیفی و کمی صورت گرفته است که در بخش کیفی به کدبندی مصاحبه‌ها در نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیودا پرداخته شده و بر اساس کدبندی، نیازهای اقتصاد روستایی استان يزد شناسایی گردیده است. در بخش کمی نیازهای شناسایی شده در قالب پرسشنامه‌ای طراحی و پس از تأیید روایی توسط پانل ۱۵ نفره متخصصین و اساتید دانشگاهی توسط جامعه آماری کمی پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این بخش به منظور سنجش میزان و اولویت‌بندی نیازها از آزمون‌های رایج آماری شامل آزمون T تک نمونه‌ای، فریدمن و دلبیو کندال استفاده گردیده است.

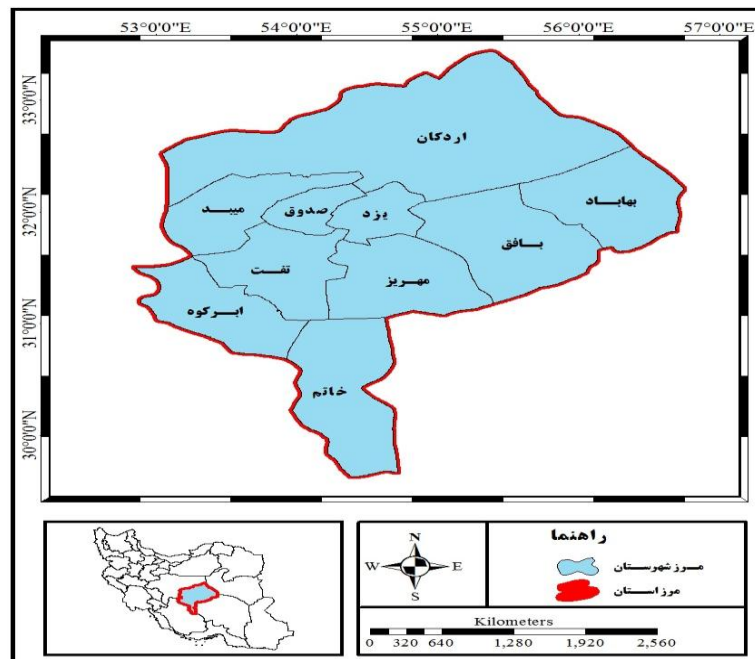
^۱ سطح‌بندی شهرستان‌ها در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر پراکنش فضایی توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در استان يزد در فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای قشم) دوره ۳۰، شماره یک در سال ۱۳۹۷ چاپ شده است.



شکل ۲- نتایج سطح‌بندی درجات توسعه شهرستان‌های استان یزد
(مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰-۷)

منطقه مورد مطالعه

استان یزد با مساحت حدود ۷۴۴۹۳ کیلومتر مربع در قسمت مرکزی فلات ایران در مختصات ۲۹ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی واقع شده است. از نظر وسعت این استان هشتمین رتبه را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. از نظر موقعیت جغرافیایی، این استان در مرکز ایران واقع شده و به استان‌های سمنان، خراسان جنوبی، کرمان، فارس و اصفهان محدود است. استان یزد طبق آخرین تغییرات تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۰ شهرستان، ۲۱ شهر، ۲۱ بخش و ۴۵ دهستان بوده است. بر اساس آخرین نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت استان ۱۱۳۸۵۳۳ نفر بوده که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ متوسط رشد سالانه جمعیت ۲,۵۳ درصد بوده است.



شکل ۳- موقعیت سیاسی شهرستان‌های استان یزد

بحث اصلی

بحث اصلی پژوهش در قالب یافته‌ها در دو بخش ارائه گردیده است. در بخش اول پژوهش بر حسب مصاحبه نیمه ساختاریافته نیازهای اقتصادی شناسایی و در بخش دوم پژوهش نیازها مورد سنجش معناداری و اولویت‌بندی قرار گرفته است. بدین منظور در بخش اول پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته به روش گلوله برفی استفاده گردیده و حد اشباع در داده‌ها در نظر گرفته شده است. تعداد افراد مصاحبه شونده در این بخش جامعه مدیران روستایی بوده و ۴۰ نفر می‌باشد. ویژگی فردی این جامعه آماری نشان می‌دهد که میانگین سنی جامعه مصاحبه شونده برابر با ۳۵ سال؛ ۹۲/۵ درصد مرد و ۷/۵ درصد زن؛ بیشترین فراوانی رده تحصیلی مرتبط با دیپلم با فراوانی ۴۰ درصد و بیشترین فراوانی مرتبط با دوره مدیریتی جامعه ۵۲/۵ درصد مربوط به دو دوره مدیریتی بوده است. جامعه آماری بخش دوم پژوهش شامل ۴۰۵ خانوار ساکن در

منطقه مورد مطالعه، ۱۱۶ مدیر روستایی در شهرستان‌های چهارگانه مورد مطالعه و ۱۱۵ نخبه روستایی بوده است. ویژگی فردی این جامعه آماری در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های فردی جامعه آماری کمی پژوهش

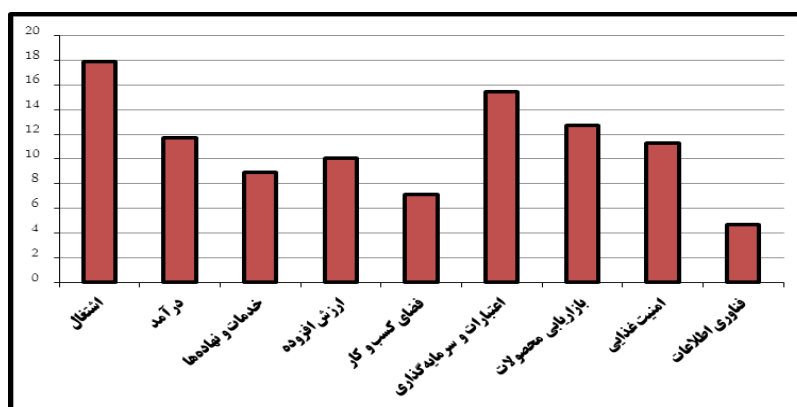
نخبگان		مدیران		خانوار		متغیر	
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		
۹۶/۵	۱۱۱	۹۴/۸	۱۱۰	۹۵/۳	۳۸۶	مرد	جنسیت
۳/۵	۴	۵/۲	۶	۴/۷	۱۹	زن	
-	-	-	-	۸/۴	۳۴	بی‌سواد	تحصیلات
۱/۷	۲	۳/۴	۴	۱۳/۳	۵۴	سیکل	
۲۴/۳	۲۸	۳۷/۱	۴۳	۲۷/۲	۱۱۰	دیپلم	
۲۷	۳۱	۳۲/۸	۳۸	۲۰/۲	۸۲	فوق دیپلم	
۴۴/۳	۵۱	۱۵/۵	۱۸	۲۶/۲	۱۰۶	کارشناسی	
۲/۶	۳	۱۱/۲	۱۳	۴/۷	۱۹	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۵/۲	۶	۲۷/۶	۳۲	۱۵/۳	۶۲	۲۱-۳۰	سن
۳۴/۸	۳۵	۲۷/۶	۳۲	۱۹	۷۷	۳۱-۴۰	
۲۵/۲	۲۹	۲۱/۶	۲۵	۳۴/۷	۱۰۰	۴۱-۵۰	
۳۰/۴	۴۰	۱۹/۸	۲۳	۲۶/۹	۱۰۹	۵۱-۶۰	
۴/۳	۵	۳/۴	۴	۱۴/۱	۵۷	بالاتر از ۶۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بخش کیفی (شناسایی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد)

همانگونه که اذعان گردید به منظور شناسایی نیازهای اقتصادی مناطق روستایی استان یزد از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده گردیده است. به منظور مصاحبه از جامعه آماری مدیران روستایی (دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی) استفاده گردیده است. جامعه آماری کل مدیران روستایی ۱۱۶ نفر بوده است که پس از مصاحبه با ۴۰ مدیر اشباع در داده حاصل گردیده است. لازم به ذکر است انتخاب مدیران روستایی از

شهرستان‌های مورد مطالعه نیز به منظور جلوگیری از خطای داده و جانبداری در اطلاعات به صورت گردشی و گلوله برفی بوده است. بدین منظور ابتدا از هر شهرستان ۱۰ مدیر روستایی به صورت گلوله برفی و سپس در صورت عدم اشباع در داده، گردش ۵ نفره از شهرستان‌ها صورت گرفته است. داده‌ها در گردش اول پس از ۳۷ مصاحبه اشباع گردیده است که بنا بر دقت در اطلاعات و همچنین کامل شدن گردش ۱۰ نفره شهرستان‌ها، مصاحبه تا ۴۰ نفر ادامه داشته است. زمان تقریبی هر مصاحبه ۳۰ دقیقه بوده و از یادداشت‌برداری به همراه ضبط صدا برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. اطلاعات بر اساس تکنیک تحلیل خط به خط در نرم‌افزار مکس کیودا پردازش و کدگذاری گردیده است. بر اساس تحلیل صورت گرفته در نرم‌افزار مکس کیودا ۳۴ نماگر در قالب ۹ شاخص استخراج گردید که در جدول (۲) ابتدا تناوب و درصد تکرار نماگرها و سپس درصد تکرار شاخص‌ها ارائه شده است. بر حسب تحلیل کیفی صورت گرفته شاخص اشتغال با درصد تکرار ۱۷٫۸۹ و ۵ نماگر شامل کاهش بیکاری‌های فصلی، تنوع شغلی در بخش کشاورزی، ایجاد مهارت‌های شغلی، ایجاد اشتغال در صنایع و حمایت از صنعت گردشگری دارای بالاترین تناوب تکرار بوده است. این بدین معنا است که نماگرهای مرتبط با این شاخص در اکثر مصاحبه‌های صورت گرفته توسط مدیران روستایی اشاره گردیده است.



شکل ۴- مقایسه درصد تکرار شاخص‌های اقتصادی شناسایی شده در منطقه

جدول ۲- نماگرهای (نیازهای اقتصادی) استخراج شده از مصاحبه مدیران روستایی

شاخص	نماگر	تناوب تکرار	درصد تکرار	درصد تکرار
اشتغال	کاهش بیکاری‌های فصلی	۲۹	۷۲/۵۰	۱۷/۸۹
	تنوع شغلی در بخش کشاورزی	۳۱	۷۷/۵۰	
	ایجاد مهارت‌های شغلی	۳۲	۸۰	
	ایجاد اشتغال در صنایع	۳۷	۹۲/۵۰	
	حمایت از صنعت گردشگری	۳۴	۸۵	
درآمد	ایجاد درآمدهای متنوع و پایدار	۳۷	۹۲/۵۰	۱۱/۷۴
	تثبیت قیمت کالاها و تولیدات	۳۲	۸۰	
	افزایش فرصت‌های درآمدزایی	۳۸	۹۵	
خدمات و نهاده‌ها	هزینه خدمات و زیرساخت‌ها	۱۸	۴۵	۸/۸۹
	هزینه نهاده‌های کشاورزی	۱۶	۴۰	
	هزینه صنایع (صنعتی و دستی)	۱۱	۲۷/۵۰	
	ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی	۲۱	۵۲/۵۰	
	ایجاد فروشگاه‌های تعاونی	۱۵	۳۷/۵۰	
ارزش افزوده	فرآوری محصولات	۳۱	۷۷/۵۰	۱۰/۰۹
	آموزش و ترویج در جهت فرآوری	۲۸	۷۰	
	ایجاد و حمایت از صنایع تبدیلی	۳۳	۸۲/۵۰	
فضای کسب و کار	کارآفرینی روستایی	۱۹	۴۷/۵۰	۷/۱۳
	ایجاد کسب‌وکارهای کوچک	۲۲	۵۵	
	مهارت‌های کسب و کار	۲۴	۶۰	
اعتبارات و سرمایه‌گذاری	اعتبارات و خدمات مالی	۲۷	۶۷/۵۰	۱۵/۴۷
	سرمایه‌گذاری‌های غیر دولتی	۲۱	۵۲/۵۰	
	زمینه اعتبارات خرد	۳۲	۸۰	
	تأمین مالی برای جبران خسارت	۲۸	۷۰	
بازاریابی محصولات	کمک‌های بلاعوض توسط دولت	۳۳	۸۲/۵۰	۱۲/۷۳
	بازاریابی محصولات کشاورزی	۲۷	۶۷/۵۰	
	بازاریابی فرآورده‌های دامی	۱۹	۴۷/۵۰	
	بازاریابی صنایع دستی	۲۴	۶۰	
	بازاریابی محصولات فرآوری شده	۲۱	۵۲/۵۰	
امنیت غذایی	بازاریابی گردشگری	۲۵	۶۲/۵۰	۱۱/۳۱
	سبد غذایی	۳۵	۸۷/۵۰	
	یارانه‌ها	۳۴	۸۵	
فناوری اطلاعات	بهره‌وری و افزایش تولیدات	۳۴	۸۵	۴/۷۲
	دسترسی به فناوری اطلاعات	۱۹	۴۷/۵۰	
	ایجاد مهارت در درآمدزایی از طریق	۲۴	۶۰	

بخش کمی (اولویت‌بندی نیازهای اقتصاد روستایی)

به منظور اولویت‌بندی نیازهای اقتصاد روستایی بر اساس نظر جامعه کنشگران محلی (خانوارها، مدیران روستایی و نخبگان) ابتدا از آزمون T تک نمونه‌ای به منظور تأیید یا رد شاخص‌ها (معناداری نیازهای شناسایی شده در قالب شاخص‌های ۹ گانه) و در مرحله بعد از آزمون فریدمن به منظور اولویت‌بندی شاخص‌ها به تفکیک هر جامعه آماری و سپس از آزمون دلیو کندال به منظور اولویت‌بندی نهایی استفاده گردیده است. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان از تأیید هشت شاخص (اشتغال، درآمد، خدمات و نهادها، اعتبارات و سرمایه‌گذاری، بازاریابی تولیدات، امنیت غذایی، ارزش افزوده، فضای کسب و کار و کارآفرینی) و عدم معناداری شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات در منطقه مورد مطالعه از نظر جامعه‌های آماری دارد (جدول ۳).

جدول ۳- سنجش تأییدی نیازهای اقتصاد روستایی در منطقه مورد مطالعه (خانوار)

شاخص	آماره آزمون	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۹	
					حد پایین	حد بالا
اشتغال	۱۱/۹۲۹	۶۳۳	۰/۰۰۰	۰/۲۷۱۷۸	۰/۲۲۷۰	۰/۳۱۶۶
درآمد	۸/۲۲۵	۶۳۱	۰/۰۰۰	۰/۲۴۲۳۵	۰/۱۸۴۴	۰/۳۰۰۳
خدمات و نهادها	۸/۲۸۴	۶۳۴	۰/۰۰۰	۰/۱۷۳۳۳	۰/۱۳۲۲	۰/۲۱۴۵
اعتبارات و سرمایه‌گذاری	۸/۹۷۶	۶۳۳	۰/۰۰۰	۰/۲۴۴۷۵	۰/۱۷۵۵	۰/۲۷۴۰
بازاریابی تولیدات روستایی	۷/۲۴۸	۶۳۴	۰/۰۰۰	۰/۱۴۰۷۴	۰/۱۰۲۶	۰/۱۷۸۹
امنیت غذایی	۳/۷۹۵	۶۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲۲۰	۰/۰۴۴۴	۰/۱۴۰۰
ارزش افزوده محصولات	۵/۷۴۵	۶۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱۵۲	۰/۱۳۹۱	۰/۲۸۳۹
فضای کسب و کار و کارآفرینی	۷/۶۰۰	۶۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۰۴۱۲	۰/۱۵۱۳	۰/۲۵۶۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۶۹۸	۶۳۴	۰/۴۸۶	۰/۲۳۴۶	-۰/۰۴۳۷	۰/۰۸۹۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بر اساس آزمون فریدمن در سطح ۹۹ درصد اطمینان از نظر جامعه آماری خانوارها شاخص اشتغال با آماره ۵/۶۰ در برگیرنده مهمترین نیازهای اقتصادی روستاییان بوده است. شاخص درآمد با آماره ۵/۳۲ در جایگاه دوم و پس از آن به ترتیب شاخص اعتبارات و سرمایه‌گذاری با آماره ۵/۳۱؛ شاخص فضای کسب و کار و کارآفرینی با میانگین ۵/۰۹؛ خدمات و نهاده‌ها با آماره ۵/۰۰؛ بازاریابی تولیدات روستایی با آماره ۴/۸۹؛ امنیت غذایی با آماره ۴/۵۸؛ ارزش افزوده محصولات با آماره ۴/۹۹ و در نهایت شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات با آماره ۴/۲۱ قرار داشته است.

از نظر جامعه مدیران در سطح ۹۹ درصد اطمینان شاخص درآمد با نماگرهای متنوع سازی درآمد، پایدارسازی درآمد روستایی و افزایش درآمد روستاییان با آماره ۵,۸۷ در برگیرنده مهمترین نیاز اقتصاد روستایی استان یزد و شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات با آماره ۴/۲۴ در برگیرنده کم‌اهمیت‌ترین نیازها بوده است. این ترتیب برای جامعه نخبگان روستایی در سطح ۹۹ درصد اطمینان برابر با شاخص ارزش افزوده محصولات با آماره ۵,۹۴ به عنوان در برگیرنده مهمترین نیاز اقتصاد روستایی استان یزد و برنامه‌ریزی در زمینه قیمت و هزینه‌های نهاده‌ها و خدمات با آماره ۴/۴۱ در برگیرنده کم‌اهمیت‌ترین نیاز اقتصاد روستایی در استان یزد بوده است (جدول ۵).

جدول ۴- مشخصات آزمون آماری فریدمن

جامعه	خانوار	مدیران روستایی	نخبگان
تعداد	۴۰۱	۱۱۵	۱۰۹
کای اسکوتر	۷۷/۱۶۵	۳۹/۷۶۵	۲۹/۰۰۶
درجه آزادی	۸	۸	۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۵- اویت بندی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد بر حسب جامعه‌های آماری

شاخص	خانوار	مدیران روستایی	نخبگان
اشتغال	۵/۶۰	۵/۶۷	۵/۴۰
درآمد	۵/۳۲	۵/۸۷	۵/۰۶
خدمات و نهاده‌ها	۵/۰۰	۴/۳۱	۴/۴۱
اعتبارات و سرمایه‌گذاری	۵/۳۱	۵/۳۶	۴/۶۶
بازاریابی تولیدات روستایی	۴/۸۹	۴/۸۸	۴/۵۰
امنیت غذایی	۴/۵۸	۴/۹۷	۴/۸۳
ارزش افزوده محصولات	۴/۹۹	۵/۰۳	۵/۹۴
فضای کسب و کار و کارآفرینی	۵/۰۹	۴/۷۷	۵/۳۳
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴/۲۱	۴/۲۴	۴/۸۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در نهایت به منظور سنجش میزان توافق نظر سه جامعه آماری مطرح شده بر اولویت‌بندی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد و همچنین اولویت‌بندی نهایی نیازها بر اساس نظرات هر سه جامعه آماری از آزمون دیلو کندال استفاده گردیده است. نتایج این آزمون در سطح ۹۵ درصد نشان می‌دهد که میزان اتفاق نظر جامعه‌های آماری در ارتباط با اولویت‌بندی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد برابر با $64/4$ درصد بوده است. همچنین نتایج این آزمون نشان می‌دهد شاخص اشتغال با آماره $8/33$ از نظر جمع نظرات جامعه آماری، در برگیرنده مهمترین نیاز اقتصادی روستاییان بوده است. درآمدها با آماره $7/67$ در رتبه دوم نیاز اقتصادی روستاییان و پس از شاخص اشتغال قرار گرفته است. از نماگرهای این شاخص در مصاحبه‌ها به ایجاد درآمدهای متنوع و پایدار، تثبیت قیمت کالاها و تولیدات و افزایش فرصت‌های درآمدزایی اشاره گردیده است که در پرسشنامه نیز مورد تأکید جامعه آماری قرار گرفته است. ارزش افزوده محصولات با آماره $6/33$ و شامل نماگرهایی همچون نیاز به فرآوری محصولات، آموزش و ترویج در جهت فرآوری و ایجاد و حمایت از صنایع تبدیلی در رتبه سوم اولویت‌بندی بر اساس نظر جامعه‌های آماری قرار داشته است.

اعتبارات و سرمایه‌گذاری با آماره ۵/۶۷ و با نماگرهای اعتبارات و خدمات مالی، سرمایه‌گذاری‌های غیردولتی، زمینه اعتبارات خرد، تأمین مالی برای جبران خسارت و کمک‌های بلاعوض توسط دولت در رتبه چهارم اولویت نیازهای اقتصاد روستاییان قرار گرفته است. بسیاری از مدیران روستایی به عدم بیمه مناسب و تأمین مالی برای جبران خسارت‌ها در برخی از سال‌ها اشاره کرده‌اند. "بیمه محصولات کشاورزی امری بیهوده است. چرا که موقع پرداخت کارشناس به نحوی خسارت را برای کشاورزان کارشناسی می‌کند که مبلغ ناچیزی به دست روستایی می‌رسد. از سوی دیگر دریافت خسارت آنقدر برای روستاییان دوندگی دارد که کشاورز را برای سال آینده توبه‌کار می‌کند" این جمله یکی از جملات مرتبط با عدم سیاست بیمه‌ای مناسب در روستاها در قبال خسارت‌ها علی‌الخصوص در بخش کشاورزی است که بارها در مصاحبه‌ها به آن اشاره گردیده است. "دولت می‌گوید ۷۰ درصد وام بلاعوض می‌دهد در زمینه لوله‌کشی مزارع و آبیاری قطره‌ای و زیرسطحی. این وام‌ها در عمل برای افراد عادی روستایی اجرایی نمی‌گردد و به افراد شاخص روستایی که از وضعیت مناسب مالی برخوردار بوده و می‌توانند ضمانت بانکی ارائه نمایند، پرداخت می‌گردد. چرا که گذاشتن ضمانت چند صد میلیونی برای وام، آنهم برای بسیاری از کشاورزان روستایی که تنها سرمایه‌شان یک خانه روستایی و یک وسیله نقلیه ارزان قیمت است، کاری غیر ممکن و نشدنی است". این جملات نیز در بسیاری از مصاحبه‌ها به صورت مشابه اشاره گردید و نشان از عدم ثبات سیاست‌ها و قوانین در زمین دادن اعتبارات و کمک‌های بلاعوض دولت به مردم مناطق روستایی دارد. در این راستا مدیران روستایی در مصاحبه‌ها بر این موضوع تأکید نموده‌اند که تحرک اقتصادی در مناطق روستایی نیاز به اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و افراد متمکن در روستاها دارد. جامعه مصاحبه‌شونده اشاره کرده‌اند میزان درآمد و پس‌انداز روستاییان توان ایجاد اشتغال‌های متنوع؛ روی‌آوری به صنایع تبدیلی، خدمات و غیره را ندارد. در این زمینه در برنامه‌ریزی باید به اعتبارات و سرمایه‌گذاری توجه کرد.

شاخص کسب و کار و کارآفرینی در رتبه پنجم از اولویت‌بندی نیازهای اقتصادی روستاییان بر اساس توافق نظر جوامع آماری قرار داشته است. از نماگرهای این شاخص به کارآفرینی روستایی، ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و مهارت‌های کسب و کار اشاره گردیده است. مصاحبه با مدیران روستایی در استان نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک در منطقه می‌تواند موجب تحرک اقتصادی در منطقه گردد. بسیاری از مدیران روستایی به قابلیت‌های نهفته منطقه اشاره کرده و اذعان نموده‌اند با آموزش می‌توان از این قابلیت‌ها استفاده کرد و باعث کارآفرینی در روستا گردید. از قابلیت‌های اشاره شده گردشگری روستایی و جاذبه بسیاری از روستاهای منطقه استان یزد می‌باشد. چند نفر از افراد مصاحبه شونده اشاره کرده‌اند "مگر بسیاری از روستاهای ما چه از روستای بزم بوانات کم دارد. تنها کمبود ما عدم مهارت و آموزش جوامع محلی در استفاده از این قابلیت‌ها و ایجاد یک کارآفرین همچون عباس برزگر در منطقه است."

پس از شاخص کسب و کار، از نظر جامعه‌های آماری فراهم نمودن زمینه امنیت غذایی روستاییان و بازاریابی تولیدات روستایی با آماره ۳/۳۳ دارای اولویت می‌باشد. جامعه آماری در این زمینه تأکید نموده‌اند که با توجه به اینکه درآمدها در روستاهای استان ناپایدار بوده؛ بنابراین برنامه‌ریزان در این زمینه باید از طریق ارائه سبدهای غذایی، افزایش یارانه‌ها و بالا بردن سطح بهره‌وری، موجب امنیت غذایی در منطقه گردند. همچنین جامعه آماری بر بازاریابی محصولات روستایی تأکید نموده و اذعان نمودند که بسیاری از محصولات روستاییان علی‌الخصوص صنایع دستی دارای بازاری نبوده و این امر موجب راکت ماندن آن حرفه گردیده است. این در حالی است که بازاریابی در زمینه محصولات می‌تواند موجب رونق حرفه‌های اقتصادی در روستاهای استان گردد. شاخص خدمات و نهاده‌ها در برگیرنده نیازهایی در زمینه هزینه خدمات و زیرساخت‌ها، هزینه نهاده‌های کشاورزی، هزینه صنایع (صنعتی و دستی)، ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و ایجاد فروشگاه‌های تعاونی با آماره ۲/۶۷ در رتبه هفتم و نهمی

ارزیابی گردیده است. چرا که شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اساس آزمون‌های T تک نمونه‌ای در سطح معناداری قرار نگرفته و ارائه آن در این آزمون تنها در جهت تأیید نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در جهت کم‌اهمیت بودن این نیاز در جامعه روستایی منطقه می‌باشد.

جدول ۶- مشخصات آزمون آماری دلیو کندال

تعداد	۳
دلیو کندال	۰/۶۴۴
کای اسکوئر	۱۵/۴۶۷
درجه آزادی	۸
سطح معناداری	۰/۰۴۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۷- اولویت‌بندی نهایی نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد

شاخص	اشغال	درآمد	خدمات و نهاده‌ها	سرمایه‌گذاری	اعتبارات و روستایی	بازاریابی تولیدات	امنیت غذایی	محصولات	ارزش افزوده	کار و کارآفرینی	فضای کسب و	ارتباطات	فناوری اطلاعات
آماره	۸/۳۳	۷/۶۷	۲/۶۷	۵/۶۷	۳/۳۳	۳/۳۳	۶/۳۳	۲/۳۳	۵/۳۳	۲/۳۳	۲/۳۳	۲/۳۳	
رتبه	۱	۲	۷	۴	۶	۶	۳	۵	۸	۵	۵	۸	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

نتیجه‌گیری

بررسی نیازهای اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی در استان یزد گامی مهم در برنامه‌ریزی و اقدام در زمینه پایداری روستاهای منطقه است. چرا که همانگونه که اذعان گردید شواهد در روستاهای استان نشان می‌دهد هر چند برنامه‌های توسعه روستایی در استان از نظر اجتماعی، خدماتی و کالبدی جوابگو بوده است اما از نظر اقتصادی نتوانسته است منجر به پایداری در روستاها گردد. لذا شناسایی نیازهای اقتصاد

روستایی استان و اولویت‌بندی این نیازها در راستای برنامه‌ریزی کارآمد اقتصادی و کاربست این اولویت‌بندی در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی همانگونه که در اصل توسعه پایدار نیز مورد تأکید است (تأکید بر برنامه‌ریزی بر اساس توان‌ها و نیازهای جوامع محلی)؛ امری ضروری است. در این راستا پژوهش حاضر به شناسایی نیازهای اقتصادی و اولویت‌بندی در منطقه پرداخته است. شناسایی و اولویت‌بندی نیازها در دو بخش کمی و کیفی در پژوهش صورت گرفته و نتایج نشان داد که بر اساس مصاحبه با ۴۰ نفر از مدیران روستایی، ۳۴ نیاز اقتصادی در قالب ۹ شاخص (اشتغال، درآمد، خدمات و نهاده‌ها، اعتبارات و سرمایه‌گذاری، بازاریابی تولیدات روستایی، امنیت غذایی، ارزش افزوده محصولات، فضای کسب و کار و کارآفرینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) در منطقه مورد تأکید می‌باشد. ایجاد فرصت‌های درآمدزایی، ایجاد اشتغال در صنایع، ایجاد درآمدهای متنوع و پایدار در منطقه، سبد غذایی، یارانه، بهره‌وری افزایش تولیدات، حمایت از گردشگری روستایی، کمک‌های بلاعوض توسط دولت در ایجاد اشتغال، ایجاد حمایت از صنایع تبدیلی، تثبیت قیمت کالاها و تولیدات، ایجاد زمینه اعتبارات خرد و تنوع شغلی در بخش کشاورزی به ترتیب متناوب‌ترین نیازهای اشاره شده توسط جامعه مصاحبه شونده بوده‌اند که بیشترین درصدهای تکرار را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش کمی پژوهش مشخص گردید که از نظر جامعه خانوارها مهمترین نیازهای اقتصاد روستایی استان یزد، تشکیل دهنده شاخص اشتغال (کاهش بیکاری‌های فصلی، تنوع شغلی در بخش کشاورزی، ایجاد مهارت‌های شغلی، ایجاد اشتغال در صنایع، حمایت از صنعت گردشگری) با آماره ۵/۶۰؛ از نظر جامعه مدیران، تشکیل دهنده شاخص درآمد (متنوع سازی درآمد، پایدارسازی درآمد روستایی و افزایش درآمد روستاییان) با آماره ۵/۸۷ و از نظر جامعه نخبگان، تشکیل دهنده شاخص ارزش افزوده محصولات (فرآوری محصولات، آموزش و ترویج در جهت فرآوری و ایجاد و حمایت از صنایع تبدیلی) با آماره ۵/۹۴ بوده است. نتایج تلفیقی این بخش نشان می‌دهد که با ۶۴ درصد توافق نظر شاخص اشتغال با آماره ۸/۳۳ در

برگیرنده مهمترین نیازهای اقتصادی روستایی استان یزد و در اولویت اول در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی قرار داشته است. در ارتباط با این شاخص تمامی مصاحبه‌های صورت گرفته در منطقه به کاهش بیکاری‌های فصلی و ایجاد تنوع در اشتغال علی‌الخصوص بخش کشاورزی در منطقه به منظور ایجاد اشتغال سالانه تأکید کرده‌اند. در مصاحبه‌ها مشخص گردید بخش کشاورزی در منطقه تنها به باغداری، زراعت و دامداری به صورت سنتی خلاصه گردیده است. این در حالی است که بخش کشاورزی بسیار گسترده‌تر از این سه شاخه بوده و با آموزش و ارائه تسهیلات می‌توان با ایجاد تنوع شاغلی در بخش کشاورزی موجب کسب درآمد بیشتر و کاهش بیکاری‌های فصلی گردید. زمینه‌سازی ایجاد اشتغال در بخش صنعت و گردشگری می‌تواند بیکاری‌های فصلی را کاهش دهد. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد بسیاری از روستاهای استان یزد جاذب گردشگر می‌باشد. این در حالی است که فرای مشاهدات، با استناد به مدیران روستایی، تا کنون کار جدی در زمینه فراهم ساختن زمینه ورود گردشگران و استفاده از این مزیت صورت نگرفته است و استفاده از این مزیت تنها در تعداد اندکی از روستاهای استان که از نظر کشوری شناخته شده می‌باشند، صورت گرفته است. ایجاد مهارت‌های شغلی از دیگر نماگرهای این شاخص می‌باشد که طی مصاحبه‌ها استخراج و توسط جامعه آماری مورد تأکید قرار گرفته است. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در اغلب روستاهای مورد مطالعه آموزشی در ارتباط با مهارت‌آموزی جوامع محلی و استفاده از پتانسیل‌های محلی صورت نگرفته است. در زمینه کشاورزی که شغل اکثریت مناطق روستایی استان یزد می‌باشد؛ شواهد و نتایج نشان می‌دهد که از سوی مراجع ذیربط هیچ گونه آموزشی صورت نگرفته است. این در حالی است که با ارائه آموزش‌های نه چندان پیچیده و با ارائه طرح‌های توانمندسازی همچون ترسیب کربن در بخش بهمن از توابع شهرستان ابرکوه، می‌توان به افزایش تولید و بهره‌وری در محصولات دست یافت. درآمدها با آماره ۷/۶۷ در رتبه دوم نیاز اقتصادی روستاییان و پس از شاخص اشتغال قرار گرفته است. در مصاحبه با مدیران روستایی به نبود درآمدهای پایدار در

منطقه بارها اشاره گردید. "مردم روستایی در بسیاری از ماه‌های سال دارای هیچ درآمدی نبوده و تنها در برخی از ماه‌های سال که محصولات به دست می‌آیند دارای درآمد می‌باشند که در صورت عدم برنامه‌ریزی و پس‌انداز در ماه‌های بدون درآمد مجبور به قرض گرفتن از اقوام و وام گرفتن از بانک‌ها آن هم در مبالغ بسیار ناچیز و با بهره‌های بالا می‌شوند" این جمله‌ای است که بسیاری از مدیران به آن اشاره کرده‌اند. عدم اشتغال متنوع در منطقه موجب درآمدهای ناپایدار و مقروض گردیدن روستاییان در بسیاری از مناطق روستایی استان گردیده است. از دیگر موارد اشاره شده در این شاخص عدم ثبات قیمت در بسیاری از محصولات بوده است. "سال گذشته فلان محصول قیمت مناسبی داشت و موجب درآمدزایی گردید، اما متأسفانه این محصول در سال جاری موجب متضرر شدن کشاورزان به خاطر کاهش قیمت شد" این جمله‌ای است که بسیاری از مدیران به آن اشاره کرده‌اند. عدم ثبات قیمت‌ها در برخی از محصولات و نبودن سیاست مناسب و برنامه‌ریزی در این زمینه موجب متضرر گردیدن روستاییان در برخی از سال‌ها گردیده است. ارزش افزوده محصولات با آماره ۶/۳۳ در رتبه سوم اولویت‌بندی بر اساس نظر جامعه‌های آماری قرار داشته است. در مصاحبه‌ها مدیران روستایی اشاره کرده‌اند که نبود فناوری و تخصص تبدیل محصولات روستایی علی‌الخصوص در زمینه کشاورزی باعث گردیده است که قیمت محصولات در برابر قیمت فرآوری شده آن در بازار بسیار پایین باشد. برای نمونه مدیران روستاهای شهرستان ابرکوه در مصاحبه‌ها اذعان نموده‌اند که "در ارتباط با محصول باغی زردآلو؛ عدم وجود صنایع تبدیلی و فرآوری این محصول باعث شده است که محصول فقط در زمان برداشت و به صورت میوه که شاید در آن زمان قیمت چندانی نداشته باشد، به فروش برسد در حالی که اگر صنایع تبدیلی و تخصص فرآوری این محصول در منطقه وجود داشت، می‌توانست فرآوری این میوه را به صورت کمپوت، برگه، لواشک و غیره که دارای ارزش بالاتری می‌باشند؛ عرضه کرد. از طرف دیگر فرآوری محصولات موجب کم شدن واسطه‌های خام خر و افزایش قیمت محصولات می‌گردد. وجود

صنایع تبدیلی و مهارت فراوری محصولات نه تنها موجب افزایش ارزش افزوده محصولات می‌گردد، بلکه به تبع موجب اشتغالزایی در منطقه نیز می‌گردد." در اولویت‌های بعدی به ترتیب سرمایه‌گذاری و اعتبارات با آماره ۵/۶۷، فضای کسب و کار و کارآفرینی با آماره ۵/۳۳، امنیت غذایی و بازاریابی تولیدات روستایی با آماره ۳/۳۳، خدمات و نهاده‌ها با آماره ۲/۶۷ و در نهایت فناوری اطلاعات با آماره ۲/۳۳ قرار داشته است. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد برنامه ریزان استانی اولویت‌بندی صورت گرفته از اقتصاد روستایی را در تدوین برنامه‌ای توسعه مد نظر قرار دهند. چرا که تجربه کشورهای پیشرفته در زمینه روستایی ثابت کرده است برنامه‌ریزی با مردم که بر اساس حداکثر مشارکت جوامع محلی و بر اساس نیازها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های محلی صورت می‌گیرد، منجر به توسعه می‌گردد نه برنامه‌ریزی برای مردم که به صورت دیکته کردن برنامه‌ها می‌باشد.

منابع

1. Aileen, S. (2006), Migration: Pre-requisite for rural economic regeneration? *Journal of Rural Studies*.
2. Alavizadeh, Amir Mohammad, Kermani, Mehdi (2010), Diversification of Economic Activities Approach to Sustainable Rural Development, Secretariat of Expediency Convention Conference, Agriculture in Horizon 1404.
3. Azkia, Mustafa, Imani, Ali (2008), Sustainable Rural Development, Tehran, Information Publication.
4. Badri, Sayed Ali, Rokneddin Eftekhari, Abdolreza (2003), Sustainability Assessment: Concept and Method, *Geographical Research Quarterly*, Volume 18, Number 3, pp. 9-34.
5. Badri, Seyed Ali, Motiei Langroodi, Seyyed Hassan, Salmani, Mohammad, Aligholizadeh, Nasser (2009), Economic Impacts of Tourism on Rural Areas (Case Study: Rural Areas of Central Noshahr), *Geography and Regional Development*, No. 12, Pp. 35-13.
6. Byrd, E, et al. (2009), Comparisons of stakeholder perceptions of tourism impacts in rural eastern North Carolina. *Journal of tourism Management*, 30: 639- 703.

7. Christoun, L. (2005), Agricultural Organizations Debt Adjustment: The Role of the State, the Agricultural Organizations and of the Agricultural bank of Greece, *Sineteristiki Poria*.
8. Deputy of Economic Research of Majlis (2014), about Sixth Development Program (Program Improvement Processes), Research Center of Majlis, 14028.
9. Dmurger, S, et al., (2010), rural households' decisions towards income diversification: Evidence from a township in northern China, *China Economic Review* 21, S32-S44.
10. Eftekhari, Abdolreza, Sajasi Ghidari, Hamda ..., Sadeglu, Tahereh (2013), Content Analysis of Rural Sustainable Development in Post-Islamic Revolution Programs, *Human Geography Research*, Volume 45, Number 3, pp. 19-19.
11. Eftekhari, Abdolreza, Taherkhani, Mehdi (2002), Establishment of Industry in the Village and Its Role in Rural Welfare, *Modares Humanities*, Volume 6, Number 2 (25), pp. 22-1.
12. Eifat, Seyyed Amir (2008), *Agenda 21 Simplified*, Environmental Protection Publications in collaboration with the United Nations and the National Committee for Sustainable Development. Tehran.
13. Farahani, Hossein (2006), *Sustainability Assessment in Rural Areas, Case Study: Tafresh City*, PhD Thesis, Rural Planning, University of Tehran.
14. Farhadian, Homayoun, Fazel Saatchi, Masoumeh, Abbasi, Enayat, Khosravani, Farhad (2016), Investigation of Different Impacts of Tourism on Rural Development (Case Study: Ramsar County), *Rural and Development*, Volume 19, Number 1, Pages 52- 27.
15. Ghanbari, Yousef, Barghi, Hamid (2008), The Essential Challenges in Sustainable Agricultural Development of Iran, *Strategic Journals Journal*, No. 16, pp. 234-219.
16. Jomehpour, Mahmood (2005), *Introduction to Rural Development Planning*, Tehran, Khome Publications.
17. Lee, S. (2007), *Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea*. Pyongyang: INSES.
18. LIU, Z. (2008). Human capital externalities and rural-urban migration: Evidence from rural China. *China Economic Review*. *Livelihood Strategies in Rural Africa: Concepts, Dynamics and Policy Implications*, *Food Policy*, Vol. 26, No. 4, PP. 315.

19. Masoumi, Nafiseh, Bahrami Paveh, Rahmatollah (2011), Sustainable Rural Development, Tehran, Payam Noor Publications.
20. Mathii Langroodi, Seyed Hassan, Faraji Stabbar, Hassanali, Darban Astana, Alireza, Rezaei, Hojjat (1979), An Analysis on Spatial Distribution of Regional Development and Inequalities in Yazd Province, Geography Quarterly, Volume 30, Number 1; Consecutive 30, pp. 7-20.
21. Mohammadi Yeganeh, Behrouz, Barani, Esmat, Cheraghi, Mehdi, Karami Dehkordi, Ismail (2013), Analysis of Economic Impacts of Industry Establishment on Rural Development (Case Study: Assaluyeh Village), Local Development, Volume 5, Number 2, p. 132-117.
22. Mohammadi Yeganeh, Behrouz, Valaei, Mohammad (2014), Diversification of Rural Economy to Sustainable Development in North Muthmatabad Village of Miandoab County, Journal of Space Economics and Rural Development, Volume III, Issue 8, pp. 8, pp. 70-54.
23. Moradi Christiani, Varaz, Ghasemi, Ali (2014), The Role of Tourism in the Economic Development of Rural Settlements in Behshahr, Space Economics and Rural Development, Third Year, No. 2, pp. 124-105.
24. Motiei Langroodi, Seyed Hassan, Shamsai, Ebrahim (2009), Sustainable Development and Agriculture, First Edition, University of Tehran Publications.
25. Motiei Langroodi, Seyyed Hassan, Najafi Kani, Ali Akbar (2011), Rural Development and Industrialization, First Edition, Tehran, Tehran University Press.
26. Navabakhsh, Mehrdad, Arjmand, Ishaq (2009), Foundations of Sustainable Urban Development, Sociology Publications, Tehran.
27. Omani, Ahmad Reza, Chizari, Mohammad (2006), Sustainability Analysis of Wheat Farming System (A Study in Khuzestan Province), Iranian Agricultural Sciences, Volume 37, Number 2, pp. 257-266.
28. Peter, D. et al. (2004). Rural-urban migration and agricultural productivity: the case of Senegal.
29. Razvani, Mohammed Reza (2002), Rural Development Planning (Concepts, Strategies and Processes), Journal of Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, pp. 240-221.

30. Razvani, Mohammed Reza (2011), Planning at Local Level and Its Position in Rural Development Plans, First International Conference on Rural Development, Experiences and Future Prospects in Local Development, Zahedan, Sistan and Baluchestan University.
31. Rizov, M., (2005), Rural Development under the European CAP: The Role of Diversity, the Social Science Journal, Vol. 42, PP. 621-628.
32. Rizov, M., (2005), Rural Development under the European CAP: The Role of Diversity, the Social Science Journal, Vol. 42, PP. 621-628.
33. Saeedi, Abbas (1998), Sustainable Development and Instability of Rural Development, Journal of Rural Housing Foundation, Second Year, No. 34.
34. Sharifzadegan, Mohammad Hossein, Pourasel, Behzad (2016), Institutional Approach to Regional Endogenous Development Planning, Program and Budget, Volume 20, Number 4, pp. 184-155.
35. Soleimani, Masoumeh, Bozorghvari, Khadijeh, Javan, Jafar, Anabestani, Ali Akbar (2015), Explaining Factors Affecting the Instability of Rural Settlements, Journal of Rural Research and Planning, Volume 4, Number 11, pp. 21-1.
36. Spangenberg, J.H. (2005), Economic sustainability of the economy: concepts and indicators, International journal of sustainable DEVELOPMENT, VOL. 8, NOS. 1/2, PP. 47-64.
37. Vice Chancellor for Economic Research (2014), on Sixth Development Plan, Reflection on Planning Method, Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
38. World Bank, (1995), Rural Nonfarm Employment; Background paper for World Development Report.
39. Zahedi, Mohammad Javad (2012), Development and Inequality, Seventh Edition, Tehran, Maziar Publications.
40. Zahedi, Mohammad Javad, Ghafari, Gholamreza, Ebrahimi Levy, Adel (2012), Theoretical Shortcomings of Rural Development Planning in Iran, Rural Research, Volume 3, Number 12, pp. 30-7.

Exploratory analysis of the economic needs of rural communities according to key informants: A case study of Yazd Province

Hojat Rezaie*, Ph.D. In Geography and Rural Planning, University of Tehran
Seyed Hassan Motie Langroudi, Professor of Faculty of Geography, University of Tehran

Hassan Ali Faraji Sabokbar, Associate Professor of the Faculty of Geography, University of Tehran

Alireza Derban Astane, Assistant Professor of Faculty of Geography, University of Tehran

Received: 24-05-2019

Accepted: 21-10-2019

Abstract

One of the most important reasons for the inefficiency of rural development programs in developing countries such as Iran is the lack of attention to local needs and capabilities, especially in the field of rural economy, and the dictating of the same program for all the villages in the country. The purpose of this study is to provide an exploratory analysis of the economic needs of rural communities based on the views of key informants. The research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of the data collection and analysis. The data were obtained from questionnaires and semi-structured interviews. The statistical population of the study consisted of local agents in Yazd Province including managers and the elite as well as rural households. The data analysis was done in two qualitative and quantitative sections. Content analysis method was used in the qualitative part using the MAXQUDA software, and a t-test and Friedman and W. Kendall test in the quantitative part. Based on the results in the qualitative section, 34 economic needs were identified in the form of 9 indicators. The percentage of the repetition of these indices indicates that the employment index (17.89%) is the most frequent need in the province. The results of the quantitative part of the research also show that the employment index with a statistic of 8.33 and the income index with a statistic of 7.66 are the most important needs of the rural economy in the province, which should be given a priority in development plans.

Keywords: Development, Rural communities, Economic needs, Key informant, Yazd.

* Corresponding Author Email: h.rezaie1367@ut.ac.ir